
تحلیل تربیتی جهاد زن در اسلام

حواگل ادیب^۱

چکیده

جهاد یکی از مسائل بسیار مهم و چالش برانگیز است که دین اسلام در مورد آن توسعه‌ها و تأکیدات مکرر نموده است. در قرآن چنین آمده است که با مال و جان و خود در راه خداوند جهاد کنید. جهاد انواع مختلفی دارد، که در شرایط خاص، بر مسلمانان اعم از زن و مرد واجب شده است. با توجه به این که زنان تقریباً نیمی از پیکر جامعه اسلام را تشکیل می‌دهد، این جمعیت قابل توجه بوده و از طرفی از این امر نیز استثناء نشده‌اند؛ ولی نکته قابل توجه این است که اسلام با توجه به شرایط و توانایی‌های زنان وظایف را مشخص کرده است. در این مقاله سعی شده است با توجه به آیات و روایات به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ داد شود که جهاد زن در اسلام چگونه است؟ و چه مسائل تربیتی به دنبال دارد؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد زن به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه در امر جهاد به طور مستقیم و غیرمستقیم سهیم است. جهاد مستقیم زن عبارت است از: رزم شجاعانه، پرستاری از مجروحان و...؛ جهاد غیرمستقیم نیز عبارت است از: خدمت زن به شوهر، صبر در برابر ناملازمات، باردار شدن زن و فرزندآوری، رزمنده‌پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد، استقبال از شهادت جوانان، پرستاری و امدادگری، کمک‌های مالی و تدارکاتی و فعالیت‌های تبلیغاتی.

کلیدواژه: تحلیل، تربیت، جهاد، زن، اسلام.

۱. طلبه کارشناسی ارشد رشته فقه خانواده، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، واحد خواهران مشهد مقدس، hawagoladib@hotmail.com

مقدمه

جهاد در اسلام، به دلیل برافراشتن پرچم توحید، دفع ظلم و ظالم، پیاده ساختن امر به معروف و نهی از منکر، نگهداری از مرزهای اسلام و حفظ کیان اسلامی دارای اهمیت والایی است. جهاد، از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی پاسداری می‌کند و مانع سقوط پرچم یکتاپرستی می‌شود؛ از این رو زمینه پرستش خداوند متعال را مساعد ساخته و برای مسلمانان اطمینانی فراهم می‌کند که در سایه آن به بندگی خدا بپردازند. در اهمیت جهاد همین بس که هفتاد و هشت آیه از سوره‌های مختلف قرآن به آن و قواعدش پرداخته است. با توجه به این که نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهد و از طرفی مسئله جهاد به شدت قابل اهمیت است، لذا باید جایگاه زن در مسئله جهاد بررسی شود. در جوامع مختلف همواره این سؤال مطرح می‌شود که زنان تا چه اندازه امکان نقش‌آفرینی در جامعه را دارند؟ و معیار برای میزان فعالیت اجتماعی زنان چیست؟ در این مقاله سعی شده است با توجه به آیات و روایات به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ داد شود که جهاد زن در اسلام چگونه است؟ و چه مسائل تربیتی به دنبال دارد؟ فرضیه تحقیق بر این است که زن به عنوان عضو اصلی جامعه وظایفی را در قبال جهاد دارد که بسته به شرایطش قابل تغییر و تعدیل می‌باشد. پیرامون موضوع جهاد زن، مقالات مختلفی نوشته شده است؛ برای مثال مقاله «جهاد زن با رویکردی بر جهاد اقتصادی / زهره نیک‌فرجام»، «نگاهی نو به حکم فقهی جهاد زن / حمید مسجدرایی و همکاران»، «تبرشناسی زن در جهاد / احسان حمیدی‌زاده» و... نمونه‌ای از این موضوع می‌باشد؛ ولی در این مقاله سعی شده است ابتدا جهاد زن بررسی و سپس آثار تربیتی آن تحلیل گردد.

۱. مفهوم شناسی

الف) واژه «تحلیل» در لغت به معنای حل کردن چیزی است. اما تحلیل کردن فرایندی ذهنی است که تحلیل‌گر تلاش می‌کند از طریق ساده‌ترین راه ممکن، مفاهیم پیچیده را ارزیابی کرده و برای دیگران تبیین و تشریح کند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵: ۶۴۸۸)

ب) واژه «تربیت» از نظر لغت، مصدر باب تفعیل، از ریشه «رَبَّ» یا «رَبَّو» به معنای رشد، نمو، زیاد شدن، افزایش یافتن و اصلاح چیزی است. ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: «تربیت از ربو، به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگه داری است» (ابن منظور، ۱۳۷۴: ۱۰۱). راغب اصفهانی، تربیت را تغییر تدریجی امری می‌داند که آن چیز به گونه‌ای به حد تمام برسد (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۸۴). صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم با تجزیه و تحلیل آرای اهل لغت به این نتیجه رسیده است: «اکثر اهل لغت، واژه تربیت را از ریشه «رَبَّ» و یا «رَبَّو» می‌دانند» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸/۴). وی می‌نویسد: «تربیت از ریشه رب (رب) عبارت است از: سوق دادن شیء مورد تربیت به

سوی کمال مطلوب و رفع نقایص و کاستی‌های آن. ابتدا با تخلیه یعنی رفع ناخالصی‌ها و زدودن موانع و پاک کردن همه آنچه مانع کمال است و سپس تخلیه به معنای گنجاندن هر آنچه که به استکمال متربی کمک می‌کند» (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸/۴).

(ج) واژه «جهاد» در لغت به معنای تلاش گسترده، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۳۸۹)، همچنین به معنای مشقت و سختی نیز استعمال می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۸۶). در هر صورت می‌توان گفت جهاد به معنای تلاش همراه با رنج و مشقت است (کرد فیروزجانی، ۱۳۹۸: ۱۱)، راغب اصفهانی آن را به معنای «بهره جستن از نهایت وسع برای دفاع در مقابل دشمن» معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲۰۷/۱).

جهاد در اصطلاح: یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع را گویند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳/۲۱). جهاد متقوم بر سه رکن است: یکی اینکه در آن جد و جهد باشد؛ دیگر اینکه در مقابل دشمن باشند؛ بنابراین اگر کسی علیه دوست جد و جهد کند، این جهاد نیست بلکه فتنه و اخلال است. سوم اینکه باید در راه خدا باشد؛ زیرا در غیر این صورت ثمری نخواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۷۳، بارگذاری شده در سایت <https://khl.ink/f/2723>).

(د) واژه «اسلام» مصدر باب افعال از ماده «س - ل - م» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۳۴۵/۶) به معنای صحت و عافیت و دوری از هرگونه عیب و نقص و فساد را گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۹۰/۳)، و یا به عبارت دیگر اطاعت کلی و بی قید و شرط و تسلیم بودن محض را گویند (ایزوتسو، ۱۳۹۳: ۲۵۳). اسلام در اصطلاح: به معنای آخرین شریعت توحیدی است که خدا توسط پیامبر گران قدرش حضرت محمد ﷺ برای هدایت مردم در قرن ششم میلادی، هنگامی که چهل ساله بودند، در شهر مکه، از سوی خدا به پیامبری این دین برگزیده شد. محور دعوت پیامبر اسلام ﷺ «توحید» یعنی اعتقاد به خدای یگانه و پرستش او و پرهیز از هرگونه شرک و بت پرستی است. در دیدگاه اسلام، ارتباط خداوند با عموم انسان‌ها، با القاء آگاهی و هدایت انجام می‌شود. این امر با برگزیدن انسان‌هایی پاک سرشت و القاء پیام‌هایی ویژه به ایشان و ارسال ایشان به سوی دیگران، برای راهنمایی انسان‌ها به سوی کمال حقیقی برقرار می‌شود. در اسلام این پیام‌ها به ویژه «وحی» و این وظیفه «نبوت» نام دارد. اخلاق، معنویت، عدالت، محبت، صلح، امنیت و زندگی جاودان (معاد)، از مضمون‌های ممتاز و مهم و حیاتی در اسلام هستند.

۲. مبانی نظری جهاد

الف) بابت و فلسفه جنگ در اسلام

از دیر باز بحث از ماهیت واقعی جنگ، محل بحث و گفت و گوی اندیشمندان بسیار بوده و اختلافات زیاد و بنیادینی نیز در میان آنان وجود داشته است، که این اختلافات از طرز تفکر آن‌ها نسبت به جهان هستی و جایگاه انسان در آن و نیز ماهیت خود انسان‌ها ناشی می‌شده است (شبان‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۷). برخی همانند زیگموند فروید معتقدند که جنگ در طبیعت انسان و در واقع، در ذات اوست و آدمی به هیچ وجه نمی‌تواند آن را از بین ببرد. برخی دیگر همانند هگل و نیچه به ضروری بودن جنگ در جوامع بشری با توجه به عوامل و انگیزه‌های آن باور دارند. صاحبان نظریه ای دیگر، از مشاهده مستمر جنگ در طول تاریخ به این نتیجه رسیده اند که انسان مانند حیوانی جنگ گراست. نظریه‌ای دیگر با تاکید بر وجود دو بعد مختلف در انسان («حیات طبیعی محض» و «حیات انسانی یا حیات معقول») معتقد است که جنگ در صورتی در شخص محوریت پیدا خواهد کرد که بعد طبیعی بر بعد انسانی غلبه نماید، جنگ در ذات او باشد و چه نباشد. محمدتقی جعفری در کتاب «حکمت اصول سیاسی اسلام» با شمردن این اقوال و انتخاب قول اخیر، به اقامه برهان و دلیل پرداخته، تا دیگر اقوال را رد نموده و قول خود را به اثبات رساند (جعفری، ۱۳۶۹: ۱/۱۴۹). در برخی از کتب نیز نظریه طرفداران و مخالفان افراطی جنگ نقد شده است (دانش پژوه و خسروشاهی، ۱۳۷۸: ۳/۲۶۱).

ب) اهداف جهاد در اسلام

هدف اصلی از جنگ مقدس و مشروع یا جهاد فی سبیل الله در اسلام چیزی جز استکمال جامعه انسانی و قرب او به خداوند متعال نیست، و این جز با بسط توحید و گسترش عدالت، به عنوان عالی‌ترین ارزش‌های الهی و انسانی امکان پذیر نیست؛ اما در عین حال، این هدف کلی را می‌توان با توجه به نصوص جهاد، به اهداف جزئی و روشن‌تری تقسیم کرد (دانش‌پژوه و خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۹۱) در ادامه، به برخی از این اهداف اشاره می‌شود:

اول: گسترش توحید و خداشناسی: از آیات زیادی که در آنها واژه «فی سبیل الله» در کنار امر به قتال آمده است (ر.ک: بقره: ۲۴۴)، می‌توان به این نکته پی برد که خداوند متعال همواره و در تمام جنگ‌ها این هدف را مدنظر داشته (ابوعیطه، بی‌تا: ۶۳)، در واقع این هدف طلیعه اهداف دیگر جهاد است و جهاد بدون چنین مفهومی ارزش خود را از دست می‌دهد (جعفر الطالمی، ۱۳۸۶: ۲۱). اصولاً هدف از جهاد آن است که از حق خداوند نسبت به بندگی انسان‌ها دفاع شود؛ چراکه هدف از خلقت، کمال انسان و بندگی او در برابر خداوند است. برای طی کردن مسیر بندگی باید از هر طریق که شده، عبادت خداوند را در روی زمین گسترش بخشید. یکی از این طریق جهاد است که در سایه آن

حاکمیت و بندگی خداوند توسعه داده می‌شود.

دوم، برچیدن فتنه از روی زمین: برچیدن فتنه از روی زمین و به‌ویژه نابودی بارزترین مصداق آن، یعنی کفر و شرک، یکی از اهداف جهاد در اسلام محسوب می‌شود (مؤسسه البلاغ، ۱۳۶۴، ص ۲۱). در آیاتی از قرآن کریم این هدف از جهاد بارها مورد تأکید قرار گرفته است. همچنان که خداوند در قرآن فرموده: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال: ۳۹)؛ و با آنان (دشمنان) بجنگید تا فتنه‌ای (از کفر و شرک) بر جای نماند و دین، یکسره برای خدا باشد، پس اگر (از کفر خود) دست کشیدند، همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست». همانا جنگ و جهاد در اسلام، برای کشور گشایی نیست، بلکه برای گسترش مکتب اسلام و مقابله با فتنه است.

در قرآن، فتنه بالاتر از قتل، «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ (بقره: ۲۱۷)» بلکه شدیدتر از آن شمرده شده است «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (بقره: ۱۹۱)» (قرائتی، ۱۳۷۴: ۷۸).

سوم: رفع هرگونه ظلم و ستم: رفع هرگونه ظلم و ستم نسبت به خود و سایر مظلومان، و گسترش عدل و عدالت در هر نقطه‌ای از جهان نیز مورد تأکید اسلام است (بهشتی، بی‌تا: ۴۴۲). در آیات قرآن کریم مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم نیز از اهداف جهاد برشمرده شده است. آیه شریفه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج: ۳۹)؛ به کسانی که همواره و مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع و جهاد داده شده است و البته خداوند بر یاری آنان قادر است»، لذا از این آیات فهمیده می‌شود که یکی از اهداف جهاد، ایستادگی در مقابل ظلم و ستم است.

چهارم: نمایش اقتدار سپاه اسلام؛ نمایش اقتدار سپاه اسلام برای به وحشت انداختن دشمنان اسلام و تضعیف روحیه جنگ‌افروزی آنان، یکی دیگر از اهداف جنگ در اسلام است (نوری، ۱۳۶۶: ۴۵). خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (توبه: ۱۲۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کفار که نزدیک شمایند بجنگید. باید آنان در شما خشونت و صلابت بیابند و بدانید که خداوند، با پرهیزکاران است»، یکی از اهداف قتال را تضعیف روحیه کفار، به جهت مشاهده قدرت و شوکت سپاه اسلام دانسته است. در صورتی که کفار ضعفی را در مسلمین مشاهده کنند، به فکر تسلط بر مسلمین و جسارت و گستاخی نسبت به آنان خواهند افتاد (شبان نیا، ۱۳۸۵: ۶۶).

پنجم: فرصت تفکر برای گمراهان؛ فراهم آوردن فرصت و تفکر و امکان توبه برای گمراهان از طریق دعوت آنان به سوی خدا قبل از جنگ، می‌تواند به عنوان یکی از اهداف جنگ در اسلام مطرح باشد. با توجه به حکم و جوب دعوت نمی‌توان تردید نمود که یکی از انگیزه‌های این حکم آن است

که فرصتی برای غافلان و گمراهان پیدا شود که از راه انحرافی خود به سمت راه صحیح تغییر جهت دهند. لذا خداوند برای ترغیب این افراد به توبه، به آنان بشارت می‌دهد و می‌فرماید:

«قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (توبه: ۳۸)؛ (ای پیامبر!) به کافران بگو: اگر (از انحراف و عملکردهای ناپسند) دست بردارند، گذشته آنان بخشوده می‌شود و اگر (به روش سابق خود) برگردند، به تحقیق سنت الهی در برخورد با گذشتگان، (دربارهٔ آنان نیز) جاری است».

ششم: اصلاح و تربیت خود مسلمین و افزایش درجه ایمان آنان؛ یکی از برکات جنگ و جهاد برای مسلمین این است که شاید و گرفتاری‌های جنگ، انسان‌ها را تحت آزمایش قرار می‌دهد و از آنان سلحشورانی می‌سازد که آمادگی تقدیم جان و مال خود برای حفظ اسلام و مسلمین را خواهند داشت. شهید مطهری در بحث از عوامل اصلاح و تربیت، جهاد را مهم‌ترین عامل تربیتی دانسته و آورده است: «جهاد هم خودش یک عاملی اساسی است که جان‌نشین نمی‌پذیرد؛ یعنی امکان ندارد که یک مؤمن مسلمان جهاد رفته و یک مؤمن مسلمان جهاد ندیده از نظر روحیه یک‌جور باشند. انسان در شرایطی قرار می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۹۹) و در برخی از آیات قرآن نیز این هدف والای جهاد گوشزد شده است. در آیه شریفه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره: ۱۵۵)؛ و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم و صابران (در این حوادث و بلاها را) بشارت بده. خداوند متعال به پیامبر خود امر می‌کند که به کسانی که در برابر آزمایش‌های سخت الهی صبر پیشه می‌کنند، بشارت دهد. از این آیه چنین به دست می‌آید که قرار گرفتن در شرایط و به‌ویژه جنگ، انسان را از لحاظ معنوی و روحی استکمال بخشیده، او را آماده دریافت بشارت از سوی پیامبر اکرم ﷺ می‌سازد.

ج) انعام جهاد

جهاد به دو نوع تقسیم می‌شود: ابتدایی و دفاعی.

اول: جهاد ابتدایی؛ این نوع جهاد که از آن به عنوان "جهاد دعوت" یاد می‌شود، در هنگامی واجب می‌شود که مسلمین در موضع اقتدار باشند و از سویی، کفار مانع دعوت دیگران به سوی اسلام گردند؛ لذا یکی از شرایط اولیه چنین جنگی آن است که قبل از هر چیز دعوت صورت پذیرد و چنانچه از طریق دعوت مسالمت‌آمیز، اسلام توسعه یابد، دست زدن در چنین جنگی روا نخواهد بود، طبق آیات و روایات این نوع جهاد مشروعیت دارد و حتی اگر قائل به وجوب آن در عصر غیبت نباشیم (مطهری، ۱۳۶۸: ۶۴).

دوم: جهاد دفاعی؛ در زمانی است که دشمن به سرزمین مسلمین یورش آورد و بخواهد کشور اسلامی را اشغال کند. یا به اموال مسلمانان چشم دوخته و قصد غارت و چپاول داشته باشد و یا بخواهد

آنجا را به صورت مستعمره خود درآورد. در هر صورت، دفاع از تجاوز و تهاجم دشمن از نظر عقل و فطرت ضروری است. بلکه می‌توان گفت که این یک حکم کلی عمومی در همه جهان هستی است که هر موجودی به نحوی از هستی خود دفاع می‌کند. اسلام هم که قوانین و دستورهایش با منطق عقل و خرد منطبق است. مسئله دفاع را برای ملت مسلمان واجب دانسته است (خرم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۳۳).

د) حکم جهاد

الف) حکم جهاد ابتدایی؛ بدون تردید جهاد ابتدایی و مبارزه با کفار برای دعوت آنان به اسلام در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت به نظر فقها، اعم از قدما و متأخرین بدون تردید واجب نیست.

آرای قضاة جهاد ابتدایی

اول: در کتاب *الهدایه بالخیار* آمده است: «جهاد با مال و نفس واجبی است از سوی خدای عزوجل بر بندگان و ولی در صورت وجود امام عادل، و کسی که قدرت جهاد با مال و نفس به همراه امام را ندارد مالش را در اختیار کسی قرار دهد که از سوی او جهاد کند» (صدوق، ۱۴۱۰: ۹/۹).

دوم: در *المبسوط فی فقه الامامیه* آمده است: «اگر همه شرایط جهادکننده که قبلاً ذکر کردیم فراهم شد جهاد واجب نمی‌شود مگر امام علیه السلام یا کسی که از سوی او منصوب به جهاد است وجود داشته باشد. و اگر امام یا فرد منصوب از سوی او نباشد وجود جهاد ساقط است... و جهاد با امامان ستمگر یا بدون امام اشتباه و قبیح است و انجام دهنده آن مستحق عقاب است (طوسی، ۱۴۲۲: ۵۴۱/۱).

سوم: در *المهذب* آمده است: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «بر شما باد به جهاد در راه خدا با هر امام عادل و جهاد با هر امام عادل دری از درهای بهشت است» (ابن براج، ۱۴۱۰: ۱/۲۹۳)؛ همچنین می‌فرماید جهاد با امامان کفر یا غیر امام اصلی یا منصوب از سوی او قبیح است و جهادکننده سزاوار عقوبت است (ابن براج، ۱۴۱۰: ۱/۲۹۷).

چهارم: امام خمینی می‌فرماید: همه اختیارات حکومتی امام علیه السلام برای فقیه نیز هست مگر دلیل قائم شود این اختیاری که برای امام هست به دلیل ولایت و سلطنت او نیست بلکه به دلیل شخصیتی اوست یا دلیل دلالت کند که فلان چیز اگرچه از شئون سلطنت و حکومت است لیکن اختصاص به امام علیه السلام دارد و از او تعدی نمی‌کند همان‌گونه که درباره جهاد غیر دفاعی شهرت یافته، اگرچه در این جای بحث و تأمل است (خمینی، ۱۳۸۴: ۶۶۴/۲).

جهاد ابتدایی در مقابل سه گروه واجب است:

اول: کافران غیر ذمی اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب؛ دوم: کفار ذمی‌ای که شرایط ذمه را

نادیده گرفته‌اند؛ سوم: باغیان (صاحب جواهر، ۱۳۶۲: ۴۶/۲۱).

حکم جهاد دفاعی

به اجماع همه فقها در صورت به خطر افتادن جان و مال انسان، بدون اجازه امام علیه السلام و نایبش بر زن و مرد واجب می‌گردد.

۳. تحلیل تربیتی جهاد زن در اسلام

همان‌گونه که در بحث‌های پیشین یادآور شدیم، دشمن‌شناسی و دارا بودن روحیه دشمن‌ستیزی از ویژگی‌های مؤمنان است و در این راه تفاوتی میان مردان و زنان باایمان وجود ندارد. هر دو قشر در انجام وظیفه و دفاع از کیان اسلام و نظام اسلامی مسئول بوده و باید توان خود را در راه انجام این مهم مصروف دارند؛ البته هرکدام از این دو قشر با توجه به شرایط و توانی که خداوند برای آنان قرار داده است، در برخی از امور مربوط به جهاد و دفاع، نقش برجسته‌تری را ایفا می‌کنند. در اینجا نقش زنان در جهاد و دفاع را مورد بررسی قرار داده و در مواردی به نمونه‌های تاریخی اشاره خواهد شد. نقش زنان را در یک تقسیم کلی به دو قسم می‌توان تقسیم کرد (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰: ۱۰۲):

الف: حرکت مستقیم

حضور مستقیم در جبهه و درگیری رودررو با دشمن، در جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست، اما در جهاد دفاعی آنان نیز همچون مردان موظف به دفاع از اسلام و حکومت اسلامی می‌باشند. دلیل این مطلب نیز آن است که دفاع در برابر تهاجم دشمن واجب عینی است که بر عهده همه مکلفین اعم از زن و مرد قرار گرفته و تنها پس از اینکه عده‌ای در حد کفایت آن را انجام دادند از عهده دیگران ساقط می‌شود.

امام خمینی علیه السلام در مورد وجوب دفاع بر همگان می‌فرماید: «اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم، زن و مرد حرکت کنند. مسئله دفاع این‌طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۱۸) اختصاص به یک دسته‌ای داشته باشد. همه باید بروند از مملکت خود دفاع کنند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱/۱۱۷).

حضور مستقیم زنان در صحنه‌های دفاع را در قالب عناوین ذیل می‌توان توضیح داد:

اول: رزم شامان

در برخی از موارد، با توجه به مقتضیات و شرایطی که به وجود می‌آید زنان نیز خود را ملزم به رزم مستقیم با دشمن می‌بینند و در این راه، چون مردان شجاع، بی‌باکانه به دشمن حمله‌ور شده و وظیفه خود در دفاع از کیان اسلام را به انجام می‌رسانند. نمونه‌هایی از این نوع در صدر اسلام و در حضور

پیامبر اکرم ﷺ به وقوع پیوسته است. در نبرد احد، زنی به نام «نسیبه» به همراه شوهر و دو فرزند خود در جنگ شرکت داشت. در آغاز درگیری، او مشک آب را برداشته و به مجروحان آب می‌داد. در اوج درگیری عده‌ای از مسلمانان، پیامبر را تنها گذارده پا به فرار نهادند. در این هنگام، نسیبه برای حفاظت از جان پیامبر ﷺ با دشمن به نبرد پرداخت و دوازده زخم شمشیر و نیزه برداشت (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۴۱۲/۸). ام حارث نیز که از زنان شجاع انصار بود در جنگ حنین شرکت داشت و وقتی لشکریان حضرت ﷺ پا به فرار گذاشتند، او فرار نکرد و در پیش روی رسول خدا ﷺ قرار گرفت و خود را سپر بلای پیامبر اسلام ﷺ نمود (حسون، مشکور، ۱۴۲۱: ۲۳۲/۱). ام ابان نمونه دیگری از زنان شجاع صدر اسلام بود که پس از شهادت همسرش در جنگ با رومیان، ابتدا همسر خویش را کفن کرد و سپس برای خونخواهی به مبارزه مسلحانه با کفار پرداخت. در این درگیری، علاوه بر هدف قرار دادن قاتل همسرش، تعداد دیگری از دشمن را نیز به هلاکت رساند (محلّاتی، ۱۳۶۹: ۳/۳۵۴).

دوم: پرستاری از مجروحان

از دیگر نقش‌های برجسته زنان در جنگ، پرستاری و مداوای مجروحین در جبهه است. پیامبر اکرم ﷺ به زنان برای حضور در جبهه و مداوای مجروحین اذن می‌داد و آن‌ها نیز مشتاقانه در این کار شرکت می‌جستند. از جمله این زنان می‌توان از ام عطیه، معاذه غفاریه، لیلالی غفاریه و ام سنان اسلمیه نام برد (حسون، مشکور، ۱۴۲۱: ۶۱/۵). در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز، زنان فراوانی در قالب بسیج و غیر آن در این امر مشارکت داشته و تعدادی از آنها نیز به شرف شهادت رسیده و یا مجروح شده‌اند. گفتنی است زنان در جنگ‌های صدر اسلام کارهایی بر عهده داشته‌اند که با توجه به شرایط زمان ما، این امور بر عهده مردان قرار می‌گیرد. این‌گونه کارها عبارت بودند از: آب‌رسانی به جبهه و آب دادن به رزمندگان، حمل مجروحین و شهدا به پشت جبهه، نگهداری تدارکات و رساندن مهمات به رزمندگان، آشپزی و طبخ غذا، تهیه دارو و تعمیر و ترمیم وسایل تدارکاتی رزمندگان (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰: ۱۰۵).

ب) شرکت غیرمستقیم

اول: خدمت زن به شوهر؛ در روایات مختلفی از پیامبر اکرم ﷺ آمده (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۶۰) و امامان علیهم‌السلام اسناد مختلف نقل شده است که «جهادُ المراه حُسْنُ التَّبَعْلِ (صدوق، بی‌تا: ۲/۶۲۰)؛ جهاد زن، نیکو شوهرداری است». یک زن آگاه و وظیفه‌شناس، اگر بتواند درون خانه، محیط مساعدی را برای رشد و کمال خود و شوهر و به‌ویژه فرزندان خویش فراهم کند، تأثیر مثبت و بسیار مؤثر آن در اصلاح جامعه و اخلاق و تربیت آحاد آن، مشاهده خواهد شد. در حقیقت زن، سهم مستقیمی در فعال نمودن سایر نیروهای سازنده جامعه دارد. این حدیث گویای اهمیت وظیفه خانهداری است چرا که آن را به مثابه جهاد می‌داند. «حسن التبعّل» که در حدیث آمده جمله کوتاهی است، ولی معنای

گسترده‌ای دارد و همه خوبی‌ها را دربر می‌گیرد. درباره زنی می‌توان گفت: «خوب شوهرداری می‌کند»، که مقام سرپرستی و قیمومیت شوهر را می‌پذیرد و از آن پاسداری می‌کند. موقعیت او را در خانواده و بین فرزندان نگه می‌دارد. در کارهای مهم با او مشورت می‌نماید. از دستوراتش اطاعت می‌کند. اگر در موردی خروج از منزل را صلاح ندانست و اجازه نداد خارج نمی‌شود. با رفتار خوش و اخلاق نیک و محبت‌های خود، شوهر را دل‌گرم و خانه را به کانون صفا و محبت تبدیل می‌کند. در دشواری‌ها و گرفتاری‌ها به یاری شوهر می‌شتابد و از او دل‌جویی می‌نماید. در مورد اموال شوهر امانت‌دار است و از اسراف و تبذیر و ولخرجی اجتناب می‌کند. بهترین لباس خود را در منزل می‌پوشد و برای شوهر آرایش و زینت می‌کند. در خانه‌داری و پرورش فرزندان می‌کوشد. نقش زنان در جبهه و جنگ بیشتر از طریق غیرمستقیم است. البته تأثیر این مشارکت به مراتب بیشتر از مشارکت آنان به طور مستقیم بوده و با توجه به توضیحاتی که خواهد آمد می‌توان گفت که حضور مردان در جبهه نیز مدیون همین مشارکت زنان است (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۵).

دوم: صبر در برابر نامالیمات؛ امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند عز و جلّ جهاد را هم بر مردان و هم بر زنان واجب ساخته، اما جهاد مرد بذل مال و جانش تا حدّ کشته‌شدن در راه خداست، ولی جهاد زن شکیبایی در برابر نامالیماتی است که از همسر خویش می‌کشد و [نیز] توجّه کامل به انحصارطلبی شوهر نسبت به او» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴۳۸/۳).

سوم: باردارشدن زن؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فضیلت زنان در امر خدمت به شوهران‌شان سؤال کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی که در خانه شوهرش، چیزی را به منظور سامان دادن و مرتب کردن، جابه‌جا کند، خداوند به او نظر و عنایت می‌کند؛ و کسی که خداوند به او عنایت نماید، عذابش نمی‌کند. ام سلمه گفت: باز هم درباره ثواب زنان مطلبی بفرمایید، پیامبر فرمود: ای ام سلمه! به‌راستی هرگاه زن، باردار شود، اجر و پاداشی همچون کسی که با جان و مالش در راه خداوند صلی الله علیه و آله جهاد می‌کند، برای او است؛ و زمانی که وضع حمل کند، به او گفته می‌شود: مسلماً گناهانت آمرزیده شد، پس اعمالت را از نو شروع کن؛ و چون به نوزادش شیر دهد، به برابر هر دفعه، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان حضرت اسماعیل به او عطا می‌شود» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۸).

امام خمینی علیه السلام درباره نقش پراهمیت زنان در انقلاب و به‌ویژه جبهه و جنگ می‌فرماید: ما مقتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان، خرد و کلان، درصحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و هم‌دوش مردان، یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی، از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها، بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع

خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند. و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه می‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب‌گونه^ع فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا(خمینی، ۱۳۹۰).

ج) اقامه حضور زنان در جهاد به طور غیر مستقیم

اول: رزمنده پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد از نقش‌های بسیار سازنده زنان در امر جهاد، تشویق مردان به شرکت در جنگ هاست. با توجه به بُعد عاطفی قوی که در زنان وجود دارد، تأثیر کلام و تشویق آنان اثر فراوانی در تهییج و تحریک مردان به مقاومت و دفاع دارد. امام خمینی^ع در این مورد می‌فرماید: «زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند، بانوان در صدر اسلام با مردان در جنگ‌ها هم شرکت داشته‌اند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۳/۱۱).

تاریخ صدر اسلام نیز گواه آن است که در مواردی تشویق زنان باعث حرکت شوهران‌شان به سوی میدان جهاد و دفاع بوده است. در حرکت تاریخی امام حسین^ع نیز برخی از یاران آن حضرت به تشویق همسران خود به نهضت امام پیوسته و با آن حضرت تا پای جان همراهی کرده‌اند. برای مثال وقتی نامه امام^ع به زهیر بن قین رسید، وی در ابتدا تمایلی به پیوستن به سپاه امام نداشت. اما با شنیدن سخنان حماسی و مشتاقانه همسرش، عزم خویش را بر یاری امام^ع جزم نمود و به سپاه آن حضرت پیوست (مامقانی، ۱۳۱۰: ۴۲۵/۱). اصولاً وجود هم‌فکری و هم‌یاری زنان نه تنها باعث تشویق و حرکت بستگان درجه اول آنها می‌شود که سبب تشویق و حساسیت دیگر مردان نیز نسبت به امر دفاع می‌گردد. امام خمینی^ع در این باره می‌فرماید: «اگر چنانچه یک عده زن در محلی وارد بشوند که محل جنگ است علاوه بر این که خودشان جنگ می‌کنند مردها که یک احساسی دارند نسبت به زن‌ها، حساسیت نسبت به زن‌ها دارند، مردان قوه‌شان را دو چندان می‌کنند، این‌طور نیست که اگر اینها فرض کنید بروند دفاع کنند، خودشان دفاع کرده‌اند، دیگران را هم به دفاع وادار کرده‌اند. مرد حساس است نسبت به زن، مرد اگر صد نفر را ببیند که می‌کشند ممکن است خیلی ناراحت نشود؛ اما اگر یک زن را ببیند که بی‌احترامی می‌کنند حساسیت دارد ولو آنکه آن زن اجنبی باشد و هیچ کاری هم به او نداشته باشد. این یک حساسیتی است که مردها دارند. بنابراین پیش قدم شدن شما در همه مسائل، من جمله مسائل دفاع، مسائل جهاد، مسائل کمک‌کردن به جبهه‌ها، مسائل وارد شدن در هر طریقه‌ای، اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند و مردها هم

قوی‌تر بشوند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۸۰/۱۹).

دوم: ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان نسبت به اداره زندگی و تربیت فرزندان رزمندگان اسلام برای اینکه بتوانند با روحیه‌ای آرام و بدون دغدغه به جنگ و دفاع بیندیشند و تمام فکر و قوای خود را بر آن متمرکز کنند، باید فکرشان از ناحیه خانه و فرزندان خود آسوده بوده، اطمینان داشته باشند که در غیاب آنان، زندگی شان به طور طبیعی جریان دارد و فرزندان شان با آرامش کامل به امور تعلیمی و تربیتی خود خواهند رسید. تأمین این خواسته بحق رزمندگان، در سایه زحمات و الطاف همسران آنان میسر است؛ زیرا همسران رزمندگان در غیاب آن‌ها از کیان خانواده حفاظت نموده و تمام توان خود را برای اداره صحیح زندگی خود و فرزندان شان به کار می‌برند. این جنبه از تلاش زنان، از جمله نقش‌های بسیار مثبت و سازنده زنان در تحکیم موقعیت رزمندگان اسلام است که نقش برجسته زنان نسبت به مسئله دفاع را روشن می‌سازد (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰: ۱۰۷).

سوم: استقبال از شهادت جوانان

یکی از مسائل مهم در جهاد و دفاع، روحیه مقاومت و نحوه برخورد با مشکلات و مصائب جنگ است. ملتی که تحمل بالایی از خود نشان دهد قطعاً پیروز از میدان به درآمده شاهد موفقیت خود خواهد شد. و اگر ملتی تحمل مصائب و آثار خسارت‌بار جنگ را نداشته باشد روحیه خود را از دست می‌دهد، در نتیجه روحیه رزمندگان را نیز ضعیف و آنان را در اجرای مقاصد خود سست می‌کند. یکی از مسائلی که در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد نحوه برخورد با تلفات جانی جنگ است. این مسئله نیز ارتباط تنگاتنگی با روحیه مقاومت و ایمان زنان یک جامعه دارد. زیرا اگر زنان از شهادت فرزندان و عزیزان خود استقبال کنند و با آغوش باز آن را بپذیرا باشند، از ورود ضعف و سستی به اردوی مدافعان نظام جلوگیری خواهد شد و گرنه ممکن است دشمن از همین ناحیه، نقطه ضعف را شناسایی کرده و با القای وسوسه‌های شیطانی خود، اختلاف و شکست را در میان مدافعان نفوذ دهد. خوشبختانه زنان مسلمانان با توجه به روحیه ایمانی و درس‌هایی که از قرآن و عملکرد پیشوایان دین گرفته‌اند، به استقبال از شهادت جوانان و عزیزانشان رفته و بدین وسیله نقش مهمی را در ایفای وظیفه خود در قبال جهاد و دفاع عملی ساخته‌اند. نمونه‌های فراوانی از این زنان مؤمن و ایثارگر در صدر اسلام و همچنین در ایران، از آغاز نهضت اسلامی تاکنون وجود داشته‌اند (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۲).

چهارم: پرستاری و امدادگری

در زمان‌های گذشته به دلیل نبود امکانات برای حمل سریع مجروحان، مداوای آنان غالباً در میدان رزم انجام می‌شد و به همین جهت زنانی نیز که برای کمک در این امر جهاد در قرآن، (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۳) داوطلب می‌شدند به جبهه اعزام شده و در همان جا به پرستاری و

مداوای مجروحین اقدام می‌کردند. اما در زمان کنونی اقدامات ضروری و اولیه در جبهه انجام می‌شود و اکثر معالجات در بیمارستان‌ها و مناطق پشت جبهه صورت می‌گیرد. زنان در این مورد نیز نقش ممتازی را در ارائه خدمات پزشکی به مجروحان داشته و در حقیقت یکی از نقش‌های حساس خود برای امر دفاع و جهاد را ایفا می‌کنند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰: ۱۰۸).

پنجم: کمک‌های مالی و تدارکاتی

در قرآن مجید و سخنان پیشوایان دین، از مؤمنان خواسته شده که در راه دفاع از اسلام و جامعه اسلامی علاوه بر جهاد با جان خویش، به جهاد مالی نیز اقدام کنند. این دستور نیز همه مؤمنان اعم از زن و مرد را در برمی‌گیرد. در صدر اسلام، و به هنگام اعزام سپاهیان به جبهه نبرد، زنان مسلمان به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و به اهدای زیورآلات خود و سایر وسایلی که رزمندگان اسلام بدان محتاج بودند، می‌پرداختند (واقعی، ۱۹۸۹: ۹۹۲/۳). در طول جنگ تحمیلی نیز زنان کشورمان بطور مرتب به اهدای اموال و وسایل لازم جهت جبهه اقدام می‌کردند که این امر بارها مورد تقدیر و سپاس رهبر کبیر انقلاب قرار گرفت. به طوری که امام قدس سره درباره آنها فرمود:

«زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی» (خمینی، ۱۳۶۵: ۱۰۹).

ششم: فعالیت‌های تبلیغاتی

در زمان‌های گذشته و در صدر اسلام، یکی از عملکردهای زنان، تشویق و تهییج مردان به جنگ به وسیله ایراد خطابه، شعر، سرود و... بود. این کار در میدان جنگ صورت می‌گرفت. برای نمونه می‌توان به عکرشه دختر اطرش، بکاره هلالیه و زرقاء دختر عدی کوفی اشاره کرد که در جنگ صفین با خواندن اشعار و خطابه به تشویق مردان مبادرت می‌کردند (ابن طیفور، بی تا، ص ۵۳). در زمان معاصر به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی، به حضور مستقیم زنان در جبهه برای انجام این امر نیازی نمی‌باشد و در حقیقت از اموری است که زنان می‌توانند در پشت جبهه نقش ایفا کنند. در طول جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز عده‌ای از زنان، با سرودن اشعار حماسی و دینی، و پخش آنها از رادیو و مطبوعات، به تهییج دل‌آور مردان جبهه و جنگ همت گماردند و با تبلیغات خویش، وظیفه خود در دفاع از اسلام و سرزمین اسلامی را به انجام رساندند (طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

نتیجه‌گیری

جهاد عبارت است از تلاش و کوشش یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان؛ و اهداف آن عبارت است از گسترش و اعتلای اسلام، برچیدن

فتنه از روی زمین، رفع هرگونه ظلم و ستم، نمایش اقتدار سپاه اسلام، فرصت تفکر برای گمراهان، اصلاح و تربیت خود مسلمین و افزایش درجه ایمان آنان، و برپاداشتن یا دفاع از شعائر. جهاد به دو بخش ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود. جهاد ابتدایی طبق نظر فقها بدون اذن امام و نایب امام واجب نیست و جهاد دفاعی در صورت به خطر افتادن جان و مال، برای زن و مرد واجب می‌گردد. در اسلام برای زن هم جهاد تعریف شده است که به شکل مستقیم و غیرمستقیم محقق می‌شود. برای مثال جهاد مستقیم عبارت است از: رزم شجاعانه، پرستاری از مجروحان و...؛ و جهاد غیرمستقیم عبارت است از: خدمت زن به شوهر، صبر در برابر نامالایمات، باردار شدن زن و فرزندآوری، رزمنده‌پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد، استقبال از شهادت جوانان، پرستاری و امدادگری، کمک‌های مالی و تدارکاتی و فعالیت‌های تبلیغاتی است. با توجه به جایگاه ویژه زن در خانواده و اثربخشی فوق‌العاده آن، زن باید بنا بر شرایط فعلی خود هر یک از این انواع جهادها را انجام دهد.

منابع

* قرآن

۱. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقانیس فی اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی مرکز النشر.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۹۳)، خدا و انسان در قرآن، احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم.
۳. ابن منظور، ابی الفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، (۱۴۰۵)، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
۴. ابو عیظه، سید، (بی‌تا)، النظریه العامه فی الشریعه الاسلامیه، [بی‌جا]: مؤسسه الثقافه.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، (۱۴۱۰)، طبقات الکبری، بیروت: [بی‌نا].
۶. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، (بی‌تا)، بلاغات النساء، قم: شریف رضی.
۷. ابن براج طرابلسی، (۱۴۰۶)، عبدالعزیز، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. بهشتی، سید محمد حسین، (بی‌تا)، شناخت اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. جعفری، محمد تقی، (۱۳۹۶)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۰. جعفر الطالمی، محمد صالح، (۱۳۸۶)، من الفقه السياسي فی الاسلام، قم: مدرسه دارالکتب الاسلامی.
۱۱. حسون، محمد، ام علی مشکور، (۱۴۲۱)، اعلام النساء، تهران: اسوه، چاپ دوم.
۱۲. حرانی، ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۱۳. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. خمینی، روح‌الله، (۱۳۹۰)، نامه سیاسی الهی امام خمینی، تهران: جمال.
۱۵. خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۵)، سیمای زن در کلام امام خمینی، تهران: وزارت و ارشاد ملی اداره کلی تبلیغات و انتشارات، چاپ دوم.
۱۶. خسروشاه، عبدالحسین دزفولی، (۱۳۹۷)، اسلام شناسی، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۱۷. دانش‌پژوه، قدرت‌الله خسروشاهی، (۱۳۹۰)، فلسفه حقوق، قم: یازدهم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن فضل، (۱۴۰۴)، المفردات فی الغریب القرآن، [بی‌جا]: دفتر نشر کتاب، چاپ دوم.
۲۰. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد و جنگ در قرآن، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.
۲۱. صدوق، ابی جعفر الصدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، (۱۳۸۶)، الهدایه بالخیر، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ دوم.
۲۲. صدوق، ابی جعفر الصدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، (بی‌تا)، الخصال، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
۲۳. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، (۱۳۶۲)، جواهرالکلام، لبنان بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۲۴. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، من لا یحضر الفقیه، ترجمه علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المیسوط، تهران: المکتب المرتضویه.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴)، الامالی، قم: دارالثقافه.
۲۷. طاهری خرم‌آبادی، (۱۳۸۰)، سید حسن، جهاد در قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم: هجرت.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، مصحح علی‌اکبر غفاری، علی‌اکبر آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

۳۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵)، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، سیری در سیره ائمه اطهار؟ عههم؟، تهران: صدرا.
۳۲. مؤسسه البلاغ، (۱۳۶۴)، الجهاد فی الاسلام، ایران: مؤسسه البلاغ.
۳۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
۳۴. مامقانی، عبدالله، (۱۳۱۰)، تنقیح العقال فی احوال الرجال، قم: مؤسسه آل البيت الحیاء التراث.
۳۵. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۹)، ریاحین الشریعه، [بی جا]، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. واقدی، محمد بن عمر بن واقدی، (۱۴۰۹)، المغازی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم.
۳۷. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. نوری، حسین، (۱۳۶۶)، جهاد، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.

سایت

۱. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۷۲)، درس خارج فقه، بارگذاری شده در سایت <https://khl.in/f/272>